

با حمایت و پشتیبانی اعضای انجمن شبکه‌ای از نویسندگان در سراسر دنیا که به طور منظم برای مجله مقالات تهیه می‌کند، در حال ایجاد می‌باشد. در این مجله چاپ مقالاتی که در کنفرانسها و سمینارهای انجمن ارائه می‌شوند در اولویت قرار دارد. اعضای ذیل به عضویت کمیته اجرایی انجمن برای سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ توسط شورا برگزیده شده‌اند:

۱- رئیس: لوسیئن بیولو^(۱) از کانادا

۲- نایب رئیس: ویلی مک‌کارنی^(۲) از ایرلند شمالی

۳- دبیرکل: مونیکا وازکونیز لارسول^(۳) از آرژانتین

۴- جانشین دبیرکل: هروه هامون^(۴)

۵- خزانه‌دار: میشل لاشات^(۵)



تفسیر ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی

حسین صانعی خوانساری، وکیل دادگستری

۱- به موجب ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ هجری شمسی نظر به

ماده ۶ قانون اصول محاکمات جزایی که امکان تعقیب قسمتی از جرمها را موکول به شکایت شاکی و مدعی خصوصی نموده بود در برخی جرایم تعقیب جزایی شروع نمی‌شد مگر به تقاضای مدعی خصوصی و اگر مشارالیه شکایت خود را مسترد می‌نمود تعقیب جزایی موقوف می‌شد.

۲- حسب مقررات قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ نیز جرایم دیگری علاوه

1- Lucien Beaulieu - Canada

2- Willie Mc Carney - N Ireland

3- Herve Hamon_ Argentina

4- Herve Hamon _ Farnce

5- Michel Lachat _ Switzerland

بر جرایم مذکور در ماده ۲۷۷ قابل گذشت شناخته شد.

۳- در مقررات موضوعه کیفری مختلف از قبیل قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها، قانون شکار و قوانین مربوط به معدن... نیز جرایم قابل گذشت پیش‌بینی گردید.
۴- برطبق ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ هجری شمسی محکومیت می‌تواند دو حیثیت داشته باشد.

اول: حیثیت عمومی

دوم: حیثیت خصوصی

براساس تبصره ۲ ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری سابق در مورد جرمهای مذکور در ماده ۲۷۷ قانون کیفر عمومی و سایر جرایم قابل گذشت و جرمهای زیر تعقیب جزایی جز با شکایت شاکی خصوصی شروع نمی‌شود و در صورت گذشت او تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.

بنابه مراتب تا پایان اعتبار قانونی مقررات مذکور جرایم از جهت قابلیت تعقیب به دو دسته عمومی یا خصوصی و یا به بیان دیگر به جرایم قابل گذشت و یا غیرقابل گذشت تقسیم می‌شدند تا اینکه با تصویب قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ قانونگذار جرایم عمومی و خصوصی را با شکل و بیان جدیدی موردنظر و تصویب قرارداد. ماده ۱۵۹ قانون اخیرالذکر در این خصوص می‌گوید: «در حقوق الناس تعقیب و مجازات مجرم متوقف بر مطالبه صاحب حق یا قائم مقام قانونی اوست.»

لذا با تصویب مقررات سال ۶۲ ملاک قابل گذشت بودن جرایم مطابق منطوق صریح ماده ۱۵۹ حق الناس بودن آنها و وفق مفهوم آن ماده حق الله بودن ملاک غیرقابل گذشت یا عمومی بودن جرایم است.

با تصویب ماده ۱۵۹ از یک طرف و عدم تعریف و یا احصاء حق الله و حق الناس از طرف دیگر تشخیص مصادیق هریک از عناوین یاد شده مورد بحث و مناقشه قرار گرفت در آن زمان کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی در مقام رفع اجمال و اشکال ناشی

از آن حق الله و حق الناس را به طور ناقص و نارسا تعریف و مصادیقی از هریک از باب مثال ذکر نمود. از جمله جرم سرقت را به لحاظ تغلیب جنبه خصوصی آن قابل گذشت و جرم کلاهبرداری را به لحاظ تغلیب جنبه عمومی آن غیر قابل گذشت دانست.

نظریه کمیسیون استفتائات نه تنها راه شناسایی و حل مشکل را ارائه ننمود بلکه خود موجد مشکلات و بحثهای جدید گردید. زیرا ملاک و ممیزه تشخیص تغلیب حق الناسی و یا حق الهی بودن جرایم تعیین و تبیین نگردیده بود.

به هر حال قانونگذار با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ بار دیگر در مقام بیان و معرفی و تفکیک جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت ماده ۷۲۷ را مورد تصویب قرارداد. به موجب این ماده که عیناً نقل می شود؛ «جرایم مندرج در مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶ قسمت اخیر ماده ۵۹۶، ۶۰۸، ۶۲۲، ۵۳۳، ۶۴۲، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۹۸، ۶۹۹ و ۷۰۰ جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر نماید.»

رویه قضایی محاکم دادگستری حسب ظاهر ادبی ماده ۷۲۹ آن است که در صورتی که هر یک از جرایم نامبرده شده در ماده مذکور مورد شکایت شاکی قرار گرفت و پس از شکایت، شاکی با انصراف از شکایت رضایت خود را اعلام نماید متهم را با اعمال تخفیف به مجازات محکوم می نمایند.

صدور حکم حسب ظاهر مذکور به دلایلی که ذیلاً خواهد آمد غیر منطقی و برخلاف منظور قانونگذار است البته شاید علت و منشاء سوء استنباط از ماده یاد شده مسامحه در نحوه انشاء و نگارش ماده باشد که البته این مسامحه باید از طریق تفسیر قضایی تصحیح و جبران گردیده و قانون به شکل منطقی و عقلایی اجرا گردد.

حسب ظاهر نوشتاری قانون، به دادگاه اجازه داده شده است با گذشت شاکی در

میزان مجازات تخفیف قائل گردد. حال با عنایت به اینکه به موجب بند یک ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ رضایت شاکی از جمله جهات تخفیف مجازات شناخته شده بیان مجدد این مطلب (اعمال تخفیف به لحاظ رضایت) به معنی تکرار مطلبی است که قبلاً بیان شده و چون حسب قواعد اصولی تفسیر قضائی که برطبق آن قانونگذار تبلور عقل کل جامعه محسوب می‌گردد - و اینکه تکرار از مصادیق لغو و سهو شناخته می‌شود که نباید قانونگذار را مرتکب آن شناخت بنابراین با رعایت موازین عقلی و اصولی مطلب مذکور (رضایت موجب تخفیف) را نمی‌توان تکرار بند یک ماده ۲۲ محسوب داشت و باید برای آن مفهوم و مصادیق دیگری به دست آورد.

به نظر می‌رسد راه حل قضیه آن است که نسبت به موضوع رضایت و تخفیف مذکور در ماده تفکیک قائل شویم.

الف - اگر رضایت قبل از صدور حکم باشد باید قرار موقوفی صادر گردد.

ب - اگر رضایت بعد از صدور حکم باشد در مجازات مقرر در حکم تخفیف داده می‌شود.

اولاً: هیچ‌گونه دلیل عقلی و منطقی وجود ندارد جرمی که بدون شکایت قابل تعقیب نیست به صرف شکایت که متعاقب آن اعلام رضایت می‌شود قابل تعقیب کیفری شناخته شود نتیجه پذیرش قابلیت تعقیب در این مورد آن است که شکایت در ماهیت جرم و آثار آن اثر وضعی داشته باشد در حالی که برای شکایت به هیچ‌وجه چنین اثری قابل تصور و قبول نیست.

ثانیاً: وقتی قانونگذار می‌گوید در صورت رضایت دادگاه در میزان مجازات تخفیف می‌دهد جمله «مجازات مقرر در حکم» به طور بدیهی در تقدیر است به طور مسلم قاضی در میزان مجازات در قانون نمی‌تواند تغییر و یا تخفیف قائل شود بر فرض محال اگر چنین امری یعنی ایجاد حق برای قاضی در تخفیف مجازات در قانون را قائل شویم این نظر و عقیده دقیقاً مغایر روح و کلیات قانون اساسی و موضوع تقسیم قوا و اختصاص

حق قانونگذاری به مجلس شورای اسلامی خواهد بود. به موجب قانون اساسی اصولاً قانونگذاری قابل تفویض شناخته نشده و تنها استثنای آن اجازه تنظیم و تصویب آیین نامه اجرایی قوانین به هیأت دولت است. بنابه مراتب نمی توان چنین تصور کرد که قانونگذار حق قانونگذاری را به قاضی واگذار و محول کرده باشد.

ثالثاً: لزوم تفسیر شک به نفع متهم نیز مبین و مثبت استدلال مذکور است. لازم به توضیح است این نوشته در راستای اجرای صحیح و عادلانه و منصفانه قوانین تنظیم گردید و به طور مسلم خالی از نقص و ایراد و اشکال نخواهد بود.



نمودار جدول ارث، وراثت در طبقات و در حالات مختلف

علیرضا محمدی، قاضی دادگستری ورامین

سهم الارث طبقه اول

۱- پدر و مادر فقط دسته اول

۱- پدر و مادری که حاجب دارد، مادر یک ششم به فرض می برد و پدر بقیه را به

قرابت می برد. رک بند ب ماده ۸۹۲، ۹۰۶

۲- پدر و مادری که حاجب ندارد - مادر یک سوم به فرض می برد و بقیه را به قرابت

می برد. رک ماده ۹۰۶

۲- اولاد فقط دسته دوم

۱- همه پسر یا دختر باشند: در این صورت بالسویه بین آنها تقسیم می شود. رک به

ماده ۹۰۷

۲- پسر و دختر با هم باشند: در این صورت حصه ذکور دوبرابر اناث است. رک به

ماده ۹۰۷

۳- پدر و مادر و اولاد دسته اول و دوم

۱- پدر و مادر و یک دختر: الف) دختر و پدر و مادری که حاجب دارد: دختر یک